

# نظریه‌پردازی برای دوران کودکی

## «جامعه‌شناسی دوران کودکی»

نظام بهرامی کمیل\*

**گوردن مارشال (Gordon Marshall)**  
 جامعه‌شناس انگلیسی، در توضیح مفهوم «دوران کودکی» (childhood) می‌نویسد:  
 «مفهوم (کودک) می‌تواند به معنای فرزند یا فردی باشد که از جایگاه مشخص اقتصادی در جامعه که بزرگسالان از آن برخوردارند، محروم است.»

افراد در ابتدای زندگی خود، از مرحله سنی خاصی که «دوران کودکی» نامیده می‌شود، گذر می‌کنند. دوران کودکی در فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی مختلف، معنای متفاوتی دارد. فیلیپ آریس (Phillipe Aries) تاریخدان فرانسوی، اولین فردی بود که متوجه شد دوران کودکی در جوامع غربی، به شکلی ویژه و منحصر به خود، کودکان را از جهان بزرگسالان جدا کرده است. دوران کودکی در این جوامع، به جای کار و مسئولیت اقتصادی، تداعی‌کننده بازی و آموزش است.

سایر نویسندگان به این نکته اشاره کرده‌اند که دوران کودکی، به دلیل ناتوانی کودکان در پذیرش نقش موجودات سیاسی، فکور، جنسی یا اقتصادی ساخته شده است. چنین تعریفی، به این معناست که کودکان باید (ابتدا توسط زنان) در

جامعه‌شناسی دوران کودکی

نوشته: الیسون جیمز - کریس جنکس - آلن پروت

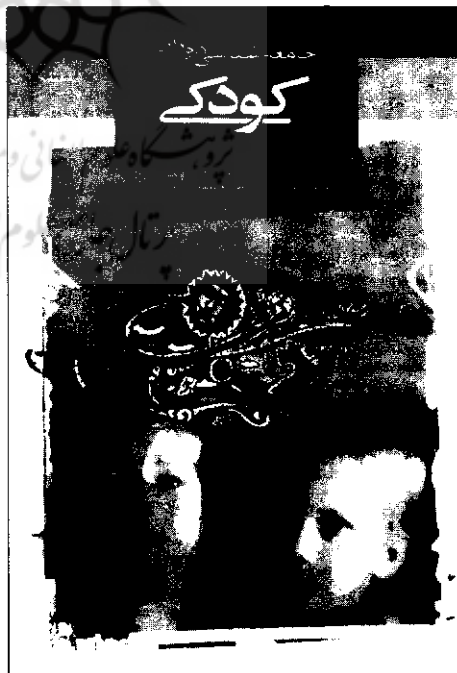
ترجمه: علیرضا کرمانی - علیرضا ابراهیم‌آبادی

ناشر: نشر ثالث

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۸۳

بها: ۴۵۰۰ تومان



توسط «نشر ثالث» منتشر شده است. هر چند معرفی چنین کتاب‌هایی با نقد آن‌ها کامل‌تر می‌شود، به دلیل ادبیات ضعیف این حوزه در ایران، چنین نقدی در حال حاضر امکان‌پذیر نیست. همان‌طور که مترجمان در مقدمه خود بیان می‌کنند:

«اگرچه غفلت از دوران کودکی در علوم اجتماعی، پدیده‌ای قدیمی و دیرپا است، امروزه جوامع علمی رویکردی اساسی به این مفهوم داشته و پیدایش درس‌ها و رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی دوران کودکی، نوید پایان دوران تاریکی این مفهوم را می‌دهد. اما در کشور ما سیطره این دوره تاریکی، همچنان گسترده است؛ چنان‌که علی‌رغم پیدایش دانشکده‌های متعدد علوم اجتماعی، حتی یک واحد درسی نیز به این موضوع اختصاص نیافته است... اگرچه اهمیت کودکی و دوران کودکی، بر همه اهل نظر در دنیای کنونی و در کشور ما آشکار است، واقعیت تعجب‌برانگیز در این مورد، غفلتی است که تعمدی یا غیرتعمدی، در پرداختن به چنین مقوله‌ای به چشم می‌خورد. ادبیات دوران کودکی در کشور ما اغلب محدود به مباحث سنتی روان‌شناسی رشد، در حوزه روان‌شناسی و بحث‌های فرعی و درجه‌چندم در حوزه‌ای نظیر جامعه‌شناسی خانواده است.» (صفحه ۱۱)

### فصل اول: کودک پیش‌جامعه‌شناختی

(The presociological child)

نویسندگان در فصل اول کتاب، به معرفی و نقد اندیشه‌هایی می‌پردازند که کودک را خارج از متن و ساختاری که در آن پرورش یافته، بررسی می‌کنند. در چنین مدل‌هایی هیچ تعاملی بین ساختار اجتماعی و مدل مذکور وجود ندارد. بیشترین سهم را در این حوزه، فلسفه کلاسیک، معرفت‌عامیانه، روان‌شناسی رشد و روان‌کاوی به عهده دارند. برخی از مهم‌ترین مدل‌هایی که این علوم آرایه داده‌اند، عبارتند از:

خانواده حمایت‌شوند؛ خانواده‌ای که نیازهای جوامع سرمایه‌داری را برای بازتولید و جامعه‌پذیری نیروی کار، با کم‌ترین هزینه برای دولت مهیا می‌کند.

کودک هم‌چنین موجب شکل‌گیری نهادهای دولتی می‌شود که کار آن‌ها مداخله در خانواده‌های غیرقانونی است. زیرا این خانواده‌ها نمی‌توانند براساس هنجارهای تعیین شده عمل کنند و باید دگرگون شوند.

پژوهش‌های انجام شده در جامعه‌شناسی دوران کودکی، نشان می‌دهد که این اصطلاح، نماد قدرتمندی در ساخت جوامع مدرن غربی است؛ اصطلاحی که بسیار مبهم است و این به کارکرد نمادینش کمک می‌کند. از طرفی، کودکان ارزشمند و مایه عشق والدین شمرده می‌شوند و از طرف دیگر، هزینه و باری بر دوش جامعه (به خصوص زنان) هستند.

در دهه ۱۹۸۰، پس از آگاهی از سوءاستفاده از کودکان، کنوانسیون ملل متحد برای حمایت از کودکان منعقد شد. امروزه با تمرکز روی حقوق، توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان، دیدگاه جدیدی در جامعه‌شناسی برای به چالش کشیدن تصور رایج از کودکان پدید آمده است.

به دلایل متعدد، دوران کودکی موضوع اصلی تحلیل در روان‌کاوی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، جامعه‌پذیری ابتدایی و تفاوت‌های جنسیتی بوده است. برای بررسی همه جانبه این موضوع، می‌توان به کتاب آلیسون جیمز و آلن پروت مراجعه کرد.<sup>(۱)</sup>

کتاب «جامعه‌شناسی دوران کودکی» که عنوان اصلی آن «نظریه‌پردازی درباره دوران کودکی» (Theorizing childhood) است، آخرین کتاب نویسندگان صاحب‌نام این حوزه (آلیسون جیمز، کریس جنکس و آلن پروت) است که با ترجمه روان علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم‌آبادی،

### کودک شرور (The evil child):

این نظریه چنین فرض می‌کند که شرارت، شیطنیت، فساد و پستی، عناصر اولیه و عمده در موجودیت کودک است و بنابراین، دوران کودکی باید با اعمال محدودیت بر این تمایلات و آمادگی‌های منفی بالقوه شکل گیرد. به ویژه این تمایلات باید از طریق اعمال برنامه‌های تنظیمی و تنبیهی، از وجود کودک دفع شوند. براساس روشی که توسط میشل فوکو نقد شده است و برای انسجام بخشیدن به رفتارهای کودک و کنترل اجتماعی به کار می‌رود، بهترین روش برای آموزش صحیح کودکان، روشی است که بتواند آن‌ها را به عنوان بزرگسالانی مطیع و تعلیم‌پذیر بار آورد... اساس و پایه‌های اسطوره‌ای و ماندگاری چنین تصویری نسبت به کودک شرور، در ایده «گناه نخستین بشر» ریشه دارد. (صفحه ۳۳ و ۳۴)

نویسندگان در ادامه این بحث، به کتاب «لویاتان» (Leviathan)، اثر توماس هابز اشاره می‌کنند و معتقدند که زمینه فلسفی چنین برداشتی از کودک، توسط او تئوریزه شده است.

### کودک بی‌گناه (The innocent child):

این مدل در مقابل مدل کودک شرور قرار داده شده است. ژان ژاک روسو، به عنوان نظریه‌پرداز این دیدگاه، کتاب قرارداد اجتماعی خود را در سال ۱۷۶۲، با این جمله آغاز کرد:

«انسان آزاد متولد شده، ولی همه جا در غل و زنجیر است. شخص تصور می‌کند که او ارباب دیگران است. در حالی که چیزی جز یک برده بزرگ‌تر نیست.»

او کتاب امیل (Emile) خود را با نظر و جمله‌ای شبیه این شروع کرد:

«خداوند همه چیز را خوب آفریده است. انسان در آن‌ها دخالت می‌کند و آن‌ها پست و شرور می‌شوند.»

بنابراین، کودکان از حسن نیت طبیعی و بینشی

روشن برخوردارند. با توجه به این موضوع که کودکان، جامعه فردای ما را تشکیل خواهند داد، خصوصیات طبیعی آن‌ها، خصوصیات آموزنده‌ای است که ما همه می‌توانیم از آن‌ها (چیزهای جدید) بیاموزیم. آن‌ها نمایانگر وضعیت و خصوصیتی هستند که از بین رفته و یا به دست فراموشی سپرده شده است و بنابراین، ارزش دفاع کردن را دارد. در واقع، روسو تلاش کرد تا تمام نظریه‌های مبتنی بر گناه نخستین را مورد نقد قرار دهد و آن‌ها را رد کند. او بر این عقیده بود که به جای تربیت و پرورش کودکان از طریق اعمال خشونت، بهتر و سودمندتر این است که ارزش‌های ذاتی را که آن‌ها با خود به دنیا آورده‌اند، بپرستیم و قدر بدانیم. (صفحه ۴۰ و ۴۱)

### کودک فطری (The immanent child):

در مقابل کسانی که کودک را ذاتاً شرور و یا ذاتاً بی‌گناه می‌پندارند، می‌توان به مدل دیگری اشاره کرد که کودک را هم‌چون صفحه‌ای خالی و سفید در نظر می‌گیرد. در این مدل، کودکان از لحاظ ارزش‌گذاری ذاتاً خنثی هستند و هیچ بدی یا خوبی پیشینی بر آن‌ها متصور نیست.

جان لاک در رساله خود تحت عنوان «رساله‌ای در فهم بشر»، معتقد است که کودکان دارای هیچ‌گونه توانایی درونی یا پیشینی از فهم و استدراک یا توانایی کلی برای استدلال صحیح نیستند. او در این باره می‌گوید:

«اگر تصور کنیم که ذهن، کاغذ سفیدی است که هیچ‌گونه شخصیت یا ایده خاصی ندارد، پس چگونه ذهن پرورش می‌یابد و نقش‌های مختلف در آن جای می‌گیرند؟ از کجا آن مخزن و اندوخته وسیع تخیلات بی‌حد و مرز انسان که تقریباً با تنوع بی‌نهایت گسترده، روی آن طراحی‌های مختلف شده است، شکل می‌گیرد؟ از کجا تمام مواد و

درباره عناصر شخصیت ارائه می‌دهد، مراحل و پیچیدگی‌های رشد، به عنوان عوامل سازنده دوران کودکی - که بنای علم بیماری‌های دماغی بزرگسالان را سر پا نگه می‌دارد - استنباط و تعبیر می‌شود. (صفحه ۵۴)

به طور کلی در این مدل، دوران کودکی در بسیاری موارد، علت و عامل ناهنجاری‌های رفتاری بزرگسالان است.

### فصل دوم: کودک جامعه‌شناختی

#### (The sociological child)

نویسندگان در این فصل از کتاب، نظریه اجتماعی در مورد دوران کودکی را در چهار نظریه عمده جامعه‌شناختی مطرح می‌کنند (کودک به عنوان سازه اجتماعی، کودک قبیله‌ای، کودک گروه اقلیت و کودک اجتماعی ساختاری)، اما قبل از وارد شدن به این مباحث، به معرفی مدل کودک دارای رشد اجتماعی (The socially developing child) می‌پردازند. در واقع این مدل، یک نوع نظریه‌پردازی انتقالی از مدل‌های پیش جامعه‌شناختی به جامعه‌شناختی محسوب می‌شود.

مدل کودک دارای رشد اجتماعی در علم جامعه‌شناسی، تا حد زیادی همانند روان‌شناسی رشد، به فهم رشد و بلوغ شناختی کودکان علاقه‌مند است. با وجود این، این مدل از طریق متمرکز کردن توجه خود بر متن اجتماعی، نمایانگر نوعی شکاف معرفت‌شناسانه بین آنچه ما شرح‌ها و تعاریف پیش جامعه‌شناختی کودک نامیده‌ایم و نظریه‌های جامعه‌شناختی است. به این ترتیب، مدل کودک دارای رشد اجتماعی، به عنوان یک نظریه‌پردازی موقتی درباره دوران کودکی، شکاف مفهومی ایجاد شده در فهم و برداشت ما از دوران

عناصر استدلال و دانش را کسب می‌کند؟ من جواب این سوالات را با یک کلمه می‌دهم: از تجربه. تمام دانش ما در تجربه قرار دارد و سرانجام نیز از آن سرچشمه می‌گیرد و خود را نمایان می‌سازد.» (صفحه ۴۶)

### کودک دارای رشد طبیعی

#### (The naturally developing child):

مؤثرترین شخصیت در شکل‌گیری مدل کودک دارای رشد طبیعی، ژان پیازه است. کودک پیازه که یک مخلوق بیولوژیکی ضعیف به حساب می‌آید، دارای پتانسیل عظیمی برای تبدیل شدن، نه به هر چیزی، بلکه فقط به یک چیز کاملاً ویژه است. پیازه در کتابی که درباره رشد فکر و مهارت‌های ماهیچه‌ای - مسیر هوش - نوشت، تعدادی از مراحل اجتناب‌ناپذیر و کاملاً تعریف شده رشد را که همگی نشانه‌های ویژه‌ای نیز دارند، به ما معرفی می‌کند. در درون این مدل، این مراحل رشد از لحاظ تقدم زمانی، مرتب و سازمان‌دهی می‌شوند و به صورت سلسله مراتبی در طول یک پیوستار، به ترتیب از تفکر مجازی و کودکانه که نسبتاً دارای موقعیت پایین است، تا تفکر و هوش عملی و بزرگسالانه که موقعیت بالایی دارد، مرتب می‌شود. (صفحه ۵۰)

### کودک ناخودآگاه (The unconscious child):

در آخرین مدل پیش جامعه‌شناختی از کودک، دوران کودکی به حوزه‌ای برای علوم و افراد پسانگر (retrospectives) تبدیل شد. در حالی که هم در تئوری و هم در آگاهی‌های روزمره، کودکان به طور مؤثری به نشانه‌هایی از فردا تعبیر می‌شوند. فروید، دوران کودکی را به عنوان گذشته بزرگسالان مطرح کرد. با وجود این، از یک لحاظ تئوری فروید می‌کوشد بلوغ و تکامل انسانی را توضیح دهد. در توضیحات و شرح‌هایی که او

کودکی] را پر می‌سازد. (صفحه ۶۲)

### کودک به عنوان سازه اجتماعی

(The socially constructed child):

پیشنهاد سازه‌گرایان اجتماعی (social constructionists) این است که به طور ذهنی، پدیده را بازسازی کنند و نشان دهند که پدیده مورد مطالعه، چگونه شکل گرفته است. بنابراین، در درون یک دنیای ذهنی ساخته شده توسط اجتماع، هیچ محدودیت یا شکل ضروری وجود ندارد... این

برمی‌آید که آن‌ها به احتمال قوی معتقدند که کودکان توسط نیروهای اجتماعی و طبیعی شکل نمی‌گیرند، بلکه نسبتاً [در دنیای معانی] که توسط خودشان و از طریق کنش متقابل آن‌ها با بزرگسالان به وجود آمده است، زندگی می‌کنند. در این مدل، کودک بیشتر از لحاظ معنایی تعیین موقعیت می‌شود، نه از لحاظ علت و معلولی. (صفحه ۷۲ و ۷۳)

### کودک قبیله‌ای (The tribal child):

این نظریه معتقد است که دنیاهای اجتماعی دوران کودکی، به نوبه خود جایگاه‌های واقعی معنا هستند و صرفاً بازی، تخیلات، تقلیدهای کورکورانه و یا منادیان نامناسب موقعیت وجودی بزرگسال نیستند. (صفحه ۷۵)

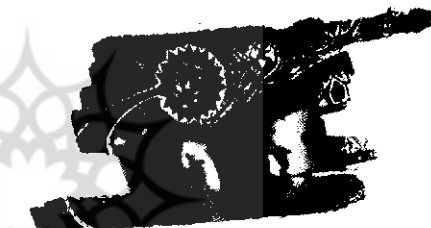
به عبارت دیگر در این مدل، دنیاهای کودکان، همانند دنیاهای بزرگسالان، موقعیت‌هایی واقعی در نظر گرفته می‌شود و تنها چیزی که ضرورت دارد، این است که کودکان بر این اساس درک شوند. (صفحه ۷۶)

### کودک گروه اقلیت

(The minority group child):

این مدل براساس پیش‌فرض‌هایی درباره یک جامعه نابرابر و دارای ساختار تبعیض‌آمیز، به موضوع دوران کودکی، جنبه سیاسی می‌دهد و این نکته مشخصه اصلی آن محسوب می‌شود...

این نظریه تلاش می‌کند تا جایگاه و موقعیت اجتماعی یک گروه اقلیت را به کودکان نسبت دهد و بنابراین، ضمن این که وجود مجموعه مناسبات قدرت (Set of power relations) بین کودکان و بزرگسالان را تأیید می‌کند، به طرح سؤالاتی در



نظریه درباره دوران کودکی، منحصرأ هرمنوتیکی است. همچنین، معیارهای قراردادی قضاوت و واقعیت را تضعیف می‌کند. بنابراین، اگر به عنوان مثال (همان طور که تعداد زیادی از مفسرین بیان کرده‌اند)، انواع سوءاستفاده و بدرفتاری نسبت به کودک در دهه‌های قبلی، امری متداول و یک مشخصه کاملاً پیش‌بینی شده در روابط کودک - بزرگسال بوده است، آن وقت چگونه و بر چه اساسی می‌توانیم بگوییم که آن اعمال بد، مضر و استثمارگری بوده‌اند؟ ملاک قضاوت‌های ما، به نوع نگرش ما به دنیا یعنی جهان‌بینی ما (World view) مربوط می‌شود و بنابراین، ما نمی‌توانیم قضاوت‌های ارزشی کلی انجام دهیم. (صفحه ۷۲)

از مخالفت‌های سازه‌گرایان اجتماعی با فرضیه‌ها و روش‌های پوزیتیویستی، چنین

این باره می‌پردازد. در واقع عنوان اولیه «اقلیت»، بیشتر طبقه‌بندی اخلاقی است تا یک طبقه‌بندی جمعیت‌شناسانه که بر مفاهیم قربانی شدن و بی‌قدرتی دلالت دارد. (صفحه ۷۹)

این بخش دارای هفت فصل است که به ترتیب عبارتند از:

### فصل سوم: دوران کودکی در فضای اجتماعی

کودکان با توجه به محیط اطراف‌شان، به طور ویژه‌ای قابل تشخیص و تعریف هستند. اگر بخواهیم در این باره دقیق‌تر سخن بگوییم و موضوع را موشکافانه‌تر بررسی کنیم، باید به این نکته اشاره کنیم که کودکان نیز فضاهای از پیش طراحی شده‌ای را اشغال می‌کنند؛ یعنی در مکان‌هایی چون کودکانستان‌ها، پرورشگاه یا مدارس گذاشته می‌شوند و نیز این‌که وجود خود را با تجاوز آشکار و زودرس به قلمرو بزرگسالان از قبیل اتاق خواب والدین، صندلی پدر، مکان‌های عمومی و یا حتی با عبور از خیابان‌های شلوغ، آشکار می‌سازند. (صفحه ۹۳)

از لحاظ مکان و فضای اجتماعی، کودکان اراده کم‌تری از خود در این زمینه دارند و اغلب این بزرگسالان هستند که برای آن‌ها تعیین موقعیت می‌کنند و جایگاه‌شان را در جامعه مشخص می‌سازند. کودکان نسبت به جایگاه اجتماعی بزرگسالان، اغلب در فاصله‌ای دور قرار دارند و ورود تدریجی آن‌ها به درون فضای اجتماعی گسترده‌تر بزرگسالی، صرفاً به صورت تصادفی و به تدریج به عنوان یک پاداش یا امتیاز ویژه یا به عنوان بخشی از مناسک گذر به جامعه بزرگسالان صورت می‌گیرد. (صفحه ۹۴)

نویسندگان کتاب در ادامه این فصل، از کودک مدرسه‌ای (The schooled child) و کودکان

این باره می‌پردازد. در واقع عنوان اولیه «اقلیت»، بیشتر طبقه‌بندی اخلاقی است تا یک طبقه‌بندی جمعیت‌شناسانه که بر مفاهیم قربانی شدن و بی‌قدرتی دلالت دارد. (صفحه ۷۹)

### کودک اجتماعی ساختاری

(The social structural child):

در این نظریه، کودکان به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده تمام جوامع، افرادی خاص، دارای پشتکار، محسوس و عادی محسوب می‌شوند. در واقع، آن‌ها نمایانگر تمام خصوصیات، واقعیات و حقایق اجتماعی (Social facts) هستند. البته، صورت ظاهر و تجلیات آن‌ها، ممکن است از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت داشته باشد، اما در درون هر جامعه ویژه، آن‌ها یکسان و هم‌شکل هستند. در این حد، کودکان یک جزء از ساختارهای اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این نظریه با چنین فرضیه‌ای شروع می‌شود: کودکان افرادی ناقص‌الخلقه و ناتوان نیستند. آن‌ها یک گروه از عامل‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند و شهروندانی با نیازها و حقوقی خاص هستند. (صفحه ۸۲)

بخش دوم کتاب که عنوانش تعیین موقعیت دوران کودکی (situating childhood) است، به پرسش درباره کانون جدید پدیده دوران کودکی می‌پردازد و از طریق مثال‌های عملی، روش‌های مختلفی را که پژوهش‌های جدید دوران کودکی، به طور متمرکز به موضوع دوگانگی‌های اصلی تئوری اجتماعی معاصر، یعنی ساختار - عاملیت (Structure-Agency)، خاص‌گرایی - عام‌گرایی (Universalism-Particularism)، محلی - جهانی (Local-Global) و ثبات - تغییر

شهری (Urban children)، به عنوان دو فضای اجتماعی که در دوران کودکی نقش به‌سزایی دارد، یاد می‌کنند.

### فصل چهارم: انتقالی بودن دوران کودکی

اگرچه ممکن است در جوامع غربی معاصر، دوران کودکی به‌طور برجسته‌ای به‌عنوان یک مقوله سنی در نظر گرفته شود، این بخش از کتاب، چنین دیدگاهی درباره سن را در اولویت قرار نمی‌دهد. در عوض، زمان را نه صرفاً به‌عنوان یک مقیاس کمی، بلکه به‌عنوان یک مقیاس کیفی مورد تأکید قرار می‌دهد و بدین ترتیب، سن که همان زمان در حال گذر است، تنها به‌عنوان یک بُعد زمانی در بین ابعاد بسیار دیگر که کودکان به وسیله آن‌ها جایگاه خود را پیدا می‌کنند یا در موقعیت یک شخص در دنیای اجتماعی قرار داده می‌شوند، پنداشته می‌شود. با جدا کردن جریان خطی و جبرگرایی ذاتی نظریه‌پردازی سنتی و پیش‌جامعه‌شناختی درباره کودک، فضای لازم برای بررسی روش‌های متنوع دیگری فراهم می‌آید که دوران کودکی از دید آن‌ها به‌عنوان یک رویداد زمانی پنداشته می‌شود. (صفحه ۱۴۸ و ۱۴۹)

در ادامه این فصل، نویسندگان می‌کوشند تا با ارائه مباحث تجربی درباره سن و نسل، چارچوب‌های زمانی را بررسی کنند که نظریه‌های مختلف درباره کودک، آن‌ها را محور اصلی کار خود قرار داده‌اند. دو چارچوب زمانی اصلی این فصل عبارتند از:

۱- زمان دوران کودکی (The time of childhood)، یعنی روش‌هایی که دوران کودکی، به‌عنوان یک دوره مجزا در طول زندگی، به وسیله

آن‌ها در درون بافت اجتماعی هر فرهنگ ویژه‌ای کار گذاشته می‌شود.

۲- زمان برای کودکان (Time for children) یا تجربه کودکان و مشارکت آن‌ها در ریتم‌های زمانی دوران کودکی که از طریق آن‌ها چهره زندگی‌شان آشکار می‌شود.

### فصل پنجم: آیا بازی جزئی از فرهنگ دوران کودکی است؟

پرسش‌های اصلی این فصل عبارتند از: آیا این احتمال وجود دارد که درباره یک دنیای فرهنگی مخصوص دوران کودکی صحبت کنیم؟ آیا کفایت می‌کند بگوییم که فرهنگ دوران کودکی، در مجموعه‌ای از شکل‌های فرهنگی مجزا به اسم بازی خلاصه می‌شود؟ یا طبق نظریه‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی رایج‌تر، باید متون روزمره زندگی اجتماعی کودکان در بین هم سن و سال‌ها و به عبارت دیگر، روش کلی زندگی که مخصوص هر گروه نسلی ویژه است، به‌عنوان «فرهنگ کودکان» در نظر گرفته شود؟ اما اگر دیدگاه دوم را در این باره بپذیریم، آن موقع تا چه حد می‌توانیم به‌طور محسوس و نمایان یا در واقع به‌طور معتبر، ثابت کنیم که می‌توان زندگی روزمره کودکان را به‌عنوان نوعی زندگی مجزا از زندگی سایر اعضای خانواده درک کرد؟ (صفحه ۱۹۹)

نویسندگان یکی از موضوعات مطرح درباره پرسش‌های بالا را «متنی کردن فرهنگ دوران کودکی» می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها، اکثر تحقیقاتی که به مطالعه «فرهنگ کودکان» پرداخته‌اند، حاصل تحقیق در فضاها و میدان‌هایی چون مدرسه و محیط بازی جمعی کودکان است؛ زیرا چنین فضاهایی خیلی آسان‌تر به کنترل محققین

اطلاعات و داده‌ها در مورد کودکان و دوران کودکی اشاره می‌کنند. نویسندگان معتقدند اگر واحد تحلیل به جای خانواده، کودک باشد، ممکن است در مورد شاخص‌های جامعه‌شناختی و جمعیت‌شناختی، به نتایج جدیدی دست پیدا کنیم. به عنوان مثال، اغلب چنین تصور می‌شود که با افزایش درآمد خانواده‌ها و به عبارت دیگر، افزایش درآمد اعضای بزرگسال یا مدیران خانواده، خواهیم توانست مشکل فقر کودک را از بین ببریم. در حالی که این فقط یک فرضیه است؛ فرضیه‌ای که هیچ‌گونه نتیجه‌ای را تضمین نمی‌کند. هم‌چنین در بسیاری موارد، منطبق این سیاست‌گذاری‌ها درباره کودکان، همان‌طور که شاهد بوده‌ایم، بر زندگی فعلی کودکان متمرکز نیست و کودکان نیز در این بحث‌ها شرکت داده نمی‌شوند. (صفحه ۳۱۸)

### فصل هشتم: جسم و دوران کودکی

یکی از پیشنهاد‌های عمده‌ای که نظریه‌های جدید جامعه‌شناختی درباره دوران کودکی ارائه داده‌اند، این است که دوران کودکی را باید به عنوان یک ساختار و سازه اجتماعی یا فرهنگی ادراک کرد و نمی‌توان مستقیماً با توجه به تفاوت‌های بیولوژیکی موجود بین بزرگسالان و کودکان، از قبیل اندازه فیزیکی یا بلوغ جنسی، به کُنه و ذات این دوران پی برد. از این لحاظ، ساختارگرایی اجتماعی، مفیدترین ابزار و زبان برای تشکیل چارچوب‌های فکری مخالف با بنیادگرایی‌های (Orthodoxies) پیش‌جامعه‌شناختی طبیعت‌گرا است. در حالی که برای مقابله با جبرگرایی و تقلیل‌گرایی بیولوژیکی، چنین تغییر تئوریکی شاید ضروری به نظر برسد، نویسندگان بر این

درمی‌آیند. در حالی که نویسندگان معتقدند برای نمایش واقعی «فرهنگ کودکان»، باید به سراغ فضاها و زمان‌هایی رفت که کودکان تا حدی توان کنترل روی آن را داشته باشند؛ یعنی فضاها و زمان‌هایی که توسط بزرگسالان طراحی نشده است. برای مثال، قدم زدن یک کودک ۱۰ یا ۱۲ ساله هنگام غروب یا رفتاری که کودک در اتاق خواب شخصی خود دارد.

### فصل ششم: کودکان کارگر

در این فصل، به کار کودکان از منظر جامعه‌شناسی پرداخته می‌شود. همان‌طور که می‌دانید تا چند دهه پیش، کار زنان (به خصوص در خانه) از دیدگاه علوم مختلف مورد غفلت قرار گرفته بود. نویسندگان در این فصل درصدد هستند تا کار کودکان را نیز همانند کار زنان، به موضوعی در خور تفکر تبدیل کنند. به عقیده آنان، اکثر مطالبی که تاکنون درباره کار کودکان نوشته شده است، به سوءاستفاده از کودکان در محیط کار مربوط می‌شود. این پدیده در اوایل دوران صنعتی شدن، گسترش زیادی یافته بود، اما پرسش اساسی این است که آیا نمی‌توان تعلیم و تربیت کودکان و آماده شدن آن‌ها برای آینده را نوعی کار قلمداد کرد؟ آیا این آموزش و آماده‌سازی، به جامعه‌شناسی آموزش و پرورش مربوط می‌شود یا به جامعه‌شناسی کار؟ در ادامه این فصل، نویسندگان با ارائه شواهد تاریخی از جوامع مختلف، می‌کوشند این موضوع را باز کنند.

### فصل هفتم: دوران کودکی یا دوران‌های کودکی؟

در ابتدای این فصل، نویسندگان به فقر



عقیده‌اند که این حرکت، هم‌اکنون در پرتو بحث‌های رایج در تئوری اجتماعی، به اصلاح و بازبینی مجدد نیاز دارد. به این دلیل، در این قسمت از کتاب، جسم کودکان در طول دوران کودکی، مورد بررسی قرار گرفته است. (صفحه ۳۴۵)

موضوعاتی که در این فصل مطرح شده‌اند، عبارتند از: گزارش‌های بنیادگرایان و مخالفان آن‌ها دربارهٔ جسم، جسم مقدس، دوران کودکی تجسم‌یافتگی، تولید جسم جنسی و...

### فصل نهم: روش‌شناسی پژوهش دربارهٔ دوران کودکی

از نظر نویسندگان، آن‌چه در این بخش و به طور کلی‌تر، در پژوهش‌های اجتماعی جدید دربارهٔ دوران کودکی باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد، موضوعات متدولوژیکی است که از روش‌های مختلفی که دانشمندان، هم‌اکنون برای انجام تحقیقات خود دربارهٔ دوران کودکی مورد استفاده قرار می‌دهند، حاصل می‌شود. (صفحه ۳۹۷)

به نظر نویسندگان، پاسخ به دو پرسش اساسی، تمهیدات و استراتژی‌های تحقیق را در تئوری‌های مختلف از هم متمایز می‌کند. این دو سؤال عبارتند از این‌که چگونه دوران کودکی در جامعه ساخته و کودک چگونه باید ادراک شود؟ هر نظریه باید مشخص سازد که آیا دوران کودکی را به عنوان یک «ساختار» بررسی می‌کند یا کودکان را به عنوان «عامل» در نظر می‌گیرد؟ بدیهی است که متدولوژی تحقیق نیز بر اساس این ارزش‌گذاری‌های تئوریک تعیین خواهد شد. به عنوان مثال، در مدل «کودک دارای رشد اجتماعی»، به رابطهٔ سن و دوران کودکی توجه خاصی می‌شود. در این دیدگاه

«سال‌های زیسته شده»، به عنوان متغیری ثابت و مستقل در نظر گرفته می‌شود.

در ادامهٔ این فصل، نویسندگان به موضوعات تحقیق و روش‌شناسی به کار گرفته شده در هر یک از چهار مدل جامعه‌شناختی «دوران کودکی» می‌پردازند.

### فصل دهم: نظریه‌پردازی دوران کودکی

در این فصل که در واقع فصل پایانی کتاب است، نویسندگان در پی این هستند تا دو سطح تحلیل در «جامعه‌شناسی» و «نظریه‌پردازی دوران کودکی» را با هم تلفیق کنند. آن‌ها در این باره چنین می‌نویسند:

«هیچ تئوری اجتماعی، بدون توجه به دوران کودکی، نمی‌تواند کامل باشد. به این منظور، برخی از ابعاد تئوریک کلیدی را که ممکن است در یک مطالعه متمرکز بین رشته‌ای از دوران کودکی، مورد توجه قرار گیرند، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم. به عنوان نقطه شروع، ابتدا به چهار مقولهٔ دوگانهٔ جامعه‌شناختی اصلی و با وجود این به هم مرتبط، اشاراتی خواهیم داشت: چهار مقولهٔ دوگانه‌ای که به طور مؤثر و مفیدی قادرند تفکر ما را جهت‌دهی کنند. این مقوله‌های دوگانه عبارتند از:

ساختار - عاملیت Structure and Agency

هویت - تمایز Identity and Difference

ثبات - تغییر Continuity and Change

محلی - جهانی Local and Global

در ادامه، تلاش خواهیم کرد با استفاده از چهار مقولهٔ برجستهٔ دوران کودکی که در آغاز کتاب پیش‌بینی و بررسی کردیم و از آن‌ها در این کتاب، برای سازمان‌دهی تحلیل خود بهره‌مند هستیم، این چهار مقولهٔ دوگانه را بیشتر بررسی کنیم و آن‌ها را به صورت یکپارچه و منسجم درآوریم.

این چهار مقوله نیز عبارتند از:

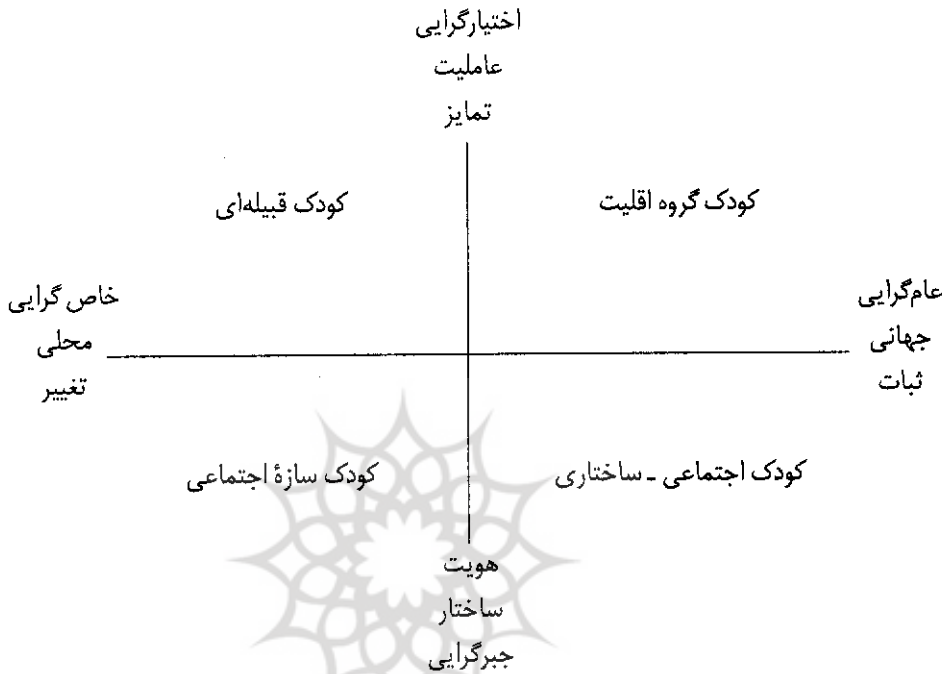
کودک اجتماعی ساختاری

کودک سازهٔ اجتماعی

کودک گروه اقلیت

کودک قبیله‌ای (صفحه ۴۶۳)

نویسندگان برای نشان دادن حوزه تئوریک دوشقی‌های جامعه‌شناختی، چنین نمودار ارائه هر یک از چهار پژوهش اجتماعی دوران کودکی و می‌دهند:



پی‌نوشت

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه

علامه طباطبایی

1. Marshall , Gordon-dictionary of sociology-second edition 1998-oxford university press.